باباخان پسر حسین قلی خان جهانسوز در 26 سالگی پس از به قتل رسیدن عموی خود آقامحمدخان موسس سلسلۀ قاجاریه، به عنوان دومین شاه این سلسله در سال 1212 ق در تهران تاجگذاری کرد و در 68 سالگی پس از 37 سال سلطنت بر مردم و سرزمین ایران فوت کرد. دوران حکومت او، یکی از مهم ترین ادوار تاریخ ایران به شمار می رود. دورانی که قدرت های جهانی آن زمان (فرانسه، روس، انگلیس) برای دستیابی به منافع خود در زمین بازی سیاست، همواره به ایران به عنوان یک مهرۀ کارگشا توجّه می کردند و متأسفانه افرادی که خبره در سیاست و آگاه به حرکت قدرت های بزرگ جهانی باشند، درمیان دولت مردان فتحعلی شاه قاجار نبود، تا ضمن خنثی کردن اقدامات سوء، بتوانند از معاهدات بین دولی برای کشور ایران ظرفیت های جدیدی خلق کنند؛ برای همین یکی از میراث شوم قاجاریان و البته فتحعلی شاه، از دست دادن سرزمین های پهناوری درشمال غرب ایران بود. دومین میراث فتحعلی شاه قاجار برای تاریخ ایران، تعدد زنان و فرزندان او بودند. این تعدد فرزندان نیز در زمان سلطنت وی و حتی پس از درگذشتش، اوضاع داخلی ایران را برهم زد. چرا که هرکدام از شاهزادگان، متوقع حکومت شهر و دیار یا جاه وجلال خاصی برای خود بودند. که این موضوع باعث شد تا مردم ایران در نواحی مختلف مورد تعدی بی شماری قرار گیرند.

نوشتار پیش رو اثری است که فتحعلی شاه قاجار (1250- 1186 ق) آن را در آخرین سال زندگی اش تقریر کرده تا به وسیلۀ آن بینندگان حاضر را تذکری و آیندگان غایب را تفکری حاصل آید. این کتاب به نوعی حسب حال، زیست نامه و یا سرگذشت نامۀ فتحعلی شاه قاجار است. گزارش او دربارۀ تعداد سپاهیان و نیز جواهرات سلطنتی از نکات مهم این کتاب است.